



خونریزی‌ها به خاطر دنیاطلبی در آخرالزمان بیشتر می‌شود

آیت‌الله قرهی در شب میلاد حضرت بقیة الله الاعظم گفت: یکی از خصوصیات آخرالزمان این است: موقعی که انسان‌ها پیشرفت ظاهری می‌کنند...

آیت‌الله قرهی در شب میلاد حضرت بقیة الله الاعظم گفت: یکی از خصوصیات آخرالزمان این است: موقعی که انسان‌ها پیشرفت ظاهری می‌کنند، از درون، تهی می‌شوند و آن حقیقت را در دانش ظاهری می‌بینند و لذا علم و دانش ظاهری، آن‌ها را از حقیقت انسانی دور می‌کند و همان‌گونه که روایات شریفه تبیین می‌کنند، خونریزی‌ها به خاطر همین دنیاطلبی در آخرالزمان بیشتر می‌شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن سخنرانی آیت‌الله قرهی، مدیر حوزه علمیه امام مهدی (عج) که در شب میلاد حضرت بقیة الله الاعظم (اروحنا فداه) که در مورد خصایص آخرالزمان از لسان مبارک امیرالمؤمنین (ع) بیان شد اکنون از نظر شما می‌گذرد. خصایص آخرالزمان از لسان مبارک امیرالمؤمنین (صلوات الله و سلامه علیه) «بَقِيتُ اللهَ حَيَّرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» [1] آنچه که فقط مؤمنین درک می‌کنند و بهترین مطلب برای خودشان می‌دانند، «بقیة الله» است. اگر این مطلب را درک کنیم که آنچه برای انسان‌ها خیر است، وجود مقدس آقااست؛ آن موقع جزء مؤمنین می‌شویم.

چطور انسان بفهمد یک فرد برای او از همه مطالب، بهتر است؟

در کتاب شریف بحارالانوار و همچنین کتاب الارشاد شیخنا الاعظم آمده که وجود مقدس پیغمبر اکرم، خاتم رسل، محمد مصطفی (صلي الله عليه و آله و سلم) بیان می‌فرمایند: زمانی می‌رسد که اولاد مرا مانند بنی‌اسرائیل مقهور می‌کنند، کسانی می‌آیند که به ظاهر وعده‌هایی به آن‌ها می‌دهند، ولی دنیا به سمت زشتی‌ها و گناه می‌رود، طوری که در شهوت، مردان به مردان بسنده می‌کنند و زنان به زنان! طوری شود که زنان چون مردان به عنوان الگوی خوبی‌ها می‌گردند و منکر نزد مردم معروف و معروف نزد مردم منکر می‌گردد. آن موقع خدا شما را امتحان می‌کند که اگر شما در آن زمان بودید، فقط باید امیدتان به ستاره‌ای از جانب مشرق باشد که مثل ماه شب چهارده بدرخشد و چون وعده را دیدید، توبه کنید و به او بگروید، تا نجات یابید.

امیرالمؤمنین (صلوات الله و سلامه علیه) در خطبه‌ای که به عنوان خطبه البیان است، خصایصی از آخرالزمان بیان کردند. گرچه بعضی از آقایان در مورد سند آن، نکاتی را بیان کردند، اما بعضی دیگر مثل میرزای قمی (اعلی الله مقامه الشریف)، آن هم در آن زمان، می‌گویند: مطالبی که در این روایت هست، محقق می‌شود، کما این‌که شده و جالب این است که خیلی از آن‌ها در این زمان که آن بزرگان ما نیستند، دارد محقق می‌شود.

این خطبه، خطبه‌ای طولانی است - که سند از ابن‌عباس است و نکات بسیار خوبی راجع به سند آن وجود دارد، اما الان جایگاه بحثش نیست - و حضرت در یک قسمت از آن می‌فرمایند: من شما را خبر می‌دهم از آنچه که در آخرالزمان به وقوع می‌پیوندد و تا خروج صاحب‌الزمان این‌گونه خواهد بود. زمانی می‌رسد که این خصلت‌ها به وجود می‌آید: مرگ در فقهای بزرگ نمایان می‌گردد. امت، نمازها را ضایع می‌کنند و از شهوات پیروی می‌کنند - من می‌خواهم «بَقِيتُ اللهَ حَيَّرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» را بیان کنم. لذا به این روایت دقت کنید - امانت‌داری کم و خیانت‌ها فراوان می‌شود. مردم مسکرات را علن می‌خورند. دشنام دادن به پدر و مادر از ناحیه فرزندان گاه علن می‌گردد. کاری می‌کنند که گناه زیاد می‌شود. کارهای خوب کم‌رنگ می‌شود. برکت از سال و ماه و هفته و روز وساعت برداشته می‌شود (همان‌طور که الآن داریم می‌بینیم، سال که می‌آید سریع تمام می‌شود، مثل الآن که سه ماه از سال گذشته!) آب و هوا دگرگون می‌شود و در فصل باریدن، باران، به سبک دیگری می‌شود. بادهای سرخ شهرها را فرا می‌گیرد. پسر، کینه پدر و مادر را به دل می‌گیرد و نصیحت آن‌ها را به عنوان بدی می‌بیند. بعضی از مردم، چهره‌های پاکیزه، ولی باطن زشت دارند (مثل بعضی از افراد که در غرب می‌بینیم با چهره‌های به ظاهر خوب هستند، ولی چه خون‌ریزی‌هایی می‌کنند!) هر که با آن‌ها معامله کند، ستم می‌کنند. دل‌هایشان دل‌های شیاطین است. آن‌ها از گیاه سدر، تلخ‌تر و از مردار، گندیده‌تر و از سگ، نجس‌تر و از روباه حيله‌گرت‌ترند. آرزو و طمعشان از مشعب (مشعب در عرب یک ضرب‌المثل است که می‌گویند: فلانی، مشعب است).

ظاهراً یک کسی در دوران جاهلیت بوده که خیلی حرص و ولع می‌زده و به این عنوان معروف شده (بیشتر اینان منکر را انجام می‌دهند و کسی نمی‌تواند نهی‌شان کند. با کسانی که منکر را مقابله می‌کنند برخورد می‌کنند و تکذیب‌شان می‌کنند، کما این که الآن همین‌طور است و من می‌خواهم بگویم این روایت از همه لحاظ صحیح السند است). کسانی را که نهی از منکر می‌کنند، انسان‌های پست می‌دانند (مانند تعبیری که امروزه دارند و می‌گویند: این‌ها تندرو هستند تا بدین ترتیب مردم از آن‌ها روی برگردانند) و می‌گویند: اگر آن‌ها را دیدید، به آن‌ها اعتماد نکنید. مردم در مال همدیگر ورود پیدا می‌کنند، ربا حلال می‌شود، خوردن مسکرات و سخنان شر و فتنه‌انگیز زیاد می‌گردد (عجیب است حضرت چقدر عالی بیان می‌فرمایند!)، آوازه‌خوانی، غنا و ساز و نوازهایی که وجود دارد، پر می‌شود. فقیر در میانشان خوار و پست و مؤمن، ناتوان و بی‌عرضه جلوه داده می‌شود (مثل الآن که به هر کس که مؤمن است و می‌خواهد نهی از منکر کند، می‌گویند: این‌ها بی‌سواد و بی‌عرضه‌اند)، دانا در نزدشان بی‌قدر

است. فاسق در نزدشان گرامی است. ستمگر در نزدشان بزرگ است. ناتوان در نزدشان ناچیز است. صاحب قدرت در نزدشان مالک و ثروت در نزدشان دولت است. امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند. زکات مال خود را پرداخت نمی‌کنند. مردان، کورکورانه از زنان خود فرمانبرداری می‌کنند (همین بحثی که الآن به عنوان زن‌سالاری هست). پدران هر کار زشتی را از فرزندان خود ببینند، چشم می‌پوشند و خوشحال و مسرور می‌گردند و آن‌ها را از انجامش برحذر نمی‌دارند.

عزیزان! دقت کنید که امیرالمؤمنین (صلوات الله و سلامه علیه) در خطبه البیان دارند این چنین نشانه‌های آخرالزمان را بیان می‌کنند: مرد از زن خود عمل زشت را به رأی العین می‌بیند، ولی او را نهی نمی‌کند، بلکه گاه تشویق به آن می‌کند (مثلاً می‌بیند با وضعیت بد بیرون می‌آید و خودش را برای دیگران جلوه می‌دهد، اما او را نهی نمی‌کند؛ تازه گاهی می‌گوید: من اصلاً دوست دارم این‌طور بیرون بیایی. در مشاوه‌هایی تلفنی که داریم، یک بار خانمی زنگ زده بود و می‌گفت: من چه کنم، همسر من به من می‌گوید: الا و بلا باید تو هم مثل خانم‌های دیگر آرایش چنین و چنان کنی و موهایت حتماً باید بیرون بیاید. این خانم گریه می‌کرد و می‌گفت: من باید چه کار کنم؟! او می‌گوید: خوشم نمی‌آید حجاب داشته باشی، این‌طوری مثل امل‌ها می‌مانی. وقتی خانم‌های بیرون را می‌بینم و وضع تو را می‌بینم، از تو خوشم نمی‌آید).

خوراک این‌ها از حرام می‌گردد، ذبح این‌ها مشکوک است (این‌ها مواردی است که الآن داریم می‌بینیم، مگر نیست؟! زنانشان رقاصه و خواننده می‌شوند. مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می‌کنند. زنان بر زین اسب‌ها و مرکب‌هایی سوار می‌شوند (حالا چرا اسب و مرکب می‌گویند، شاید منظور، چیز دیگری مثل امروز باشد) و بر شوهر خود استیلا دارند و در هر امری سلطه خود را اعمال می‌کنند. در آن زمان نوای اهل فجور بلند است و مردم فساد و غنا را دوست دارند. غنا در کوچه و بازار بلند است (شاید همین باندهای ماشین‌ها باشد که گاهی می‌بینی یک ماشینی از کوچه و بازار رد می‌شود و صدای ضبط آن در همه جا می‌پیچد).

علمایشان سرزنش می‌شوند (ببینید! الآن وقتی بعضی از اعظم، بزرگان و علماء ما تذکر می‌دهند که آقا! چرا این‌طور است؟ تازه سرزنشان هم می‌کنند). در میان این‌ها ریختن خون فراوان می‌گردد، قضاتشان رشوه‌گیر می‌شوند (اصلاً هر چه که امیرالمؤمنین (صلوات الله و سلامه علیه) در خطبه البیان فرموده: این‌ها علائم آخر الزمان است، کأن الآن همین حال را دارد).

تاجر در تجارت خود دروغ می‌گوید، زرگر در زرگری خود و هر صاحب صنعتی در صنعت خود فریب می‌دهد. کسب‌های حقیقی، اندک و کسب‌های دروغین، زیاد گردد. دانشمندان و دانایان می‌میرند. دل‌ها فاسد می‌شود. گناه رو به فزونی می‌رود و قرآن به کنار گذاشته می‌شود. در مساجد، آلات موسیقی رواج پیدا می‌کند. مردم به هم خیانت و کینه و دشمنی می‌کنند. در این زمان اگر کسی باشد و عتاب نکند، اما در طول شبانه روز، مدام نماز بگذارد؛ چیزی در نامه اعمالش ثبت نمی‌گردد و نماز او پذیرفته نمی‌شود. در مساجد، سازها و نواها به صدا درآید، اما کسی نیست که آنان را از این عمل بازدارد. کردارشان از سر توحش است و اقوال اینان فقط و فقط چابلوسی به دنیا است. بدعت‌ها آشکار می‌گردد.

حضرت این نکات را که بسیار طولانی است، می‌فرماید تا بدین جا می‌رسند که طبقه‌بندی می‌کنند و می‌فرمایند: در آخرالزمان که نزدیک به ظهور فرزندانم است، طبقات انسانی به وجود می‌آید: اول فتنه از شام شروع می‌شود. شما در هفت طبقه هستید: طبقه اول کسانی هستند که تقوا در آن‌ها فزونی است و پرهیزگار و سرآمد هستند.

طبقه دوم اهل بذل و بخشش و مهربانی هستند.

طبقه سوم اهل پشت کردن به یکدیگر و بریدن از هم هستند.

طبقه چهارم اهل سگ صفتی و رشک بردن به یکدیگر هستند.

طبقه پنجم اهل باد به بینی افکندن و تکبر هستند.

طبقه ششم اهل خونریزی و اضطراب و صفت‌های بد هستند.

طبقه هفتم اهل مکر و ستیزه‌جویی و فاسق بودن هستند.

وقتی این‌ها آمدند، مرتکب شهوات علن می‌گردند. شهرها را خراب می‌کنند. خانه‌ها را انهدام می‌کنند. طبقه لعنت‌شده‌ای هستند که این طبقه، حیا را کنار می‌گذارند تا زمانی که فرزندانم، مهدی بیاید، همین‌گونه خواهد بود. در بین مردم، وحشت به وجود می‌آورند. اضطراب زیاد می‌گردد، آرامش کم می‌شود. توکل به خدا کم می‌گردد.

حضرت می‌فرماید: در این‌جا شما به خدا و به اهل الهی توکل کنید. دارد که حضرت در این‌جا به گریه می‌افتند و می‌فرمایند: از این‌جا به بعد فتنه‌های بیشتری رخ خواهد داد. وای بر کسانی که این فتنه‌ها را به وجود می‌آورند. کسانی هستند که هیچ‌گاه به واسطه این اعمال زشتی که انجام دادند، دعایشان مستجاب نمی‌گردد. مردم چون به فسق و گناه علن دچار شدند، آن‌ها بر این‌ها مسلط می‌شوند و هیچ خیری در زندگی نمی‌بینند. کفار زمام امور مسلمین را در دست می‌گیرند. هر کس نافرمانی کند، او را بکشند.

حضرت می‌فرماید: وای بر کوفه و آنچه بر او خواهد آمد. سفیانی اسب‌های قوی و وسایل قوی‌ای استفاده می‌کند (حضرت به عنوان مرکب بیان کردند که بعضی به عنوان اسب بیان کردند، اما مرکب هر آن چیزی است که بر آن سوار می‌شوند) و بر این مردم می‌تازد. چون شیران بر این‌ها وارد شوند. اینان تله‌هایی از کشته‌ها بر زمین می‌گذارند و خون‌ها را جاری می‌کنند.

حضرت می‌فرماید: شخصی است که نامش با حرف شین آغاز می‌شود (این شاید رمز باشد)، جوانی که اشتر است (یعنی پلک او روی چشمش افتاده) فرمانده آن‌ها می‌گردد. نشانی از خروج سفیانی خواهد بود. پایگاه‌هایی در شام، کوفه، موصل، حمص و ... قرار می‌دهد. حمله او به حمص اولین حمله است (همان‌طور که می‌دانید در سوریه اولین جایی را که گرفتند، همین جا بود).

بعد به چند قریه دیگر می‌تازد و موصل و بغداد هم گرفتار خشونت‌ها و خونریزی‌های زیاد می‌گردد.

الآن موصل را ببینید، گویی حضرت برای امروز ما دارند بیان می‌کنند. ما دوازده سال پیش علائم ظهور را بیان می‌کردیم که قبل از شهادت شهید حکیم(اعلی الله مقامه الشریف) بود. الآن این‌ها را فقط می‌خوانم و نکاتش را نمی‌گویم. آن‌جا نکاتش را گفتیم، بعد هم پیشیمان شدیم و بعضی از نوارها هم نیست شد. اتفاقاً خصوصی هم بود. در آن‌جا بیان کردیم: سه روز در پل بغداد می‌مانند. آقای حکیم، نفس زکیه‌ای که باقر است، می‌رود، شهید می‌شود. لذا اول نفس زکیه، شهید محمدباقر حکیم(اعلی الله مقامه الشریف) بود.

حالا به ادامه روایت دقت بفرمایید: نبردی سخت واقع می‌گردد که از فلسطین شروع و تا سوریه ادامه می‌یابد و موصل و بغداد و کوفه و دیگر مناطق را دربرمی‌گیرد. سفیانی، هر کس را که نامش محمد(صلي الله عليه و آله و سلم)، علی، فاطمه، حسن، حسین، جعفر، موسی، زینب، خدیجه و رقیه است، از روی بغض و کینه‌ای که به آل پیامبر دارد، به قتل می‌رساند. به شهرها رسولانی می‌فرستد تا بچه‌ها را برای او جمع کنند. روغن زیتون را برای آن‌ها آماده می‌کند و می‌جوشاند. بچه‌ها به او می‌گویند: اگر پدران ما نافرمانی تو را کردند، ما چه گناهی داریم؟! اما به سخنان آنان اهمیتی نمی‌دهد. آن‌ها را می‌کشد.

آن‌گاه به جانب کوفه رهسپار می‌شود. او کسی است که خون‌های زیادی در کوفه می‌ریزد. او کسی است که امر می‌کند به سپاهیان‌ش که شما با زنان آزادید. شرب خمر برای شما در شام، حلال است. آن‌ها به انواع معصیت‌ها مشغول می‌شوند. پس از چندی سفیانی در حالی که حربه‌ای در دست دارد، زنی را به بعضی از یاران خود می‌دهد تا با او زنا کنند (من مدتی بود که فکر می‌کردم حربه‌ای که فرمودند چیست، حالا فهمیدیم همین فتوای جهاد نکاحی است که اینان دادند). حتی او به یارانش می‌گوید: در وسط راه، جلوی چشم مردم چنین کاری را انجام بدهید تا مردم بدانند این عمل، قبیح نیست! (همین که علناً گفتند، منظور همین است).

بچه‌ها را از شکم زنان بیرون می‌آورند (که همین کار را هم در سوریه کردند). اما به شما بگویم که آن روز، روزی است که بسیار بسیار نزدیک است که هر کس در آن زمان باشد، امید به این داشته باشد که ظهور نزدیک است (شاید همین که آیت‌الله بهجت فرمودند: پیرمردها هم امیدوار باشند، همین است. ما کلیبی از ایشان دیدیم که بعد از درس خارج خدمت آقا رفتند و گفتند: آقا! آیت‌الله ناصری گفتند که شما این مطلب را گفتید، صحت دارد؟ آقا فرمودند: البته بنا نبود که این‌طور بیان شود و ...؛ یعنی به تعبیر عامیانه قضیه را پیچاند ولی نفرمود که من نگفتم. چون می‌دانید خیلی از چیزها را نباید بیان کرد و إلا بداع به وجود می‌آید).

طایفه ترک لشکرآرایی می‌کنند. پادشاهان با آل هاشم در می‌افتند (شاید منظور همین وجود نازنین امام راحل و امام المسلمین باشند که از آل هاشم هستند) ولی ذلیل می‌گردند و هیچ کس بر آل هاشم پیروز نمی‌گردد. تا آن که قائم می‌آید! نکاتی هم هست که حضرت به رمز می‌فرمایند که من بیان نمی‌کنم.

رو آوردن به ایرانیان، سبب حفظ دین مسلمانان!

حالا می‌خواهیم بررسی کنیم به همان آیه که فرمودند: «بَقِيتُ اللّٰهُ حَيَّرَ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». در این‌جا باز روایتی را می‌خوانم که خیلی جالب است، این روایت در جلد 57 بحارالانوار است. وجود مقدس خاتم‌الانبیاء، محمد مصطفی در روایتی که کوتاه‌تر است، می‌فرمایند: زمانی که ظلم زیاد شد، بی‌عفتی زیاد گردید، گروهی با جلال و جبروت که نه از عرب هستند و نه از ما هستند، بر عرب مسلط می‌شوند و با آن‌ها با نام خدا و برای خدا قیام می‌کنند. در آن موقع مؤمنان ارزش خود را نشان می‌دهند. «يُجَاهِدُهُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ قَوْمٌ اَذَلَّةٌ عِنْدَ الْمُتَكَبِّرِينَ فِي الْاَرْضِ مَجْهُوْلُونَ وَ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفُونَ»، این‌ها در زمین مجهول اما در آسمان، معروف هستند، (همین شهدای گمنام) که این‌ها با کافران نبرد می‌کنند و آن‌ها را خوار و ذلیل می‌کنند. هر کس در آن زمان بود، به سمت آن‌ها برود.

من حالا نکته‌ای را بگویم و در این شب این مطلب را برای شما بیان کنم. وجود نازنین سید حسن نصرالله، این سید عظیم‌الشأن بیان فرمودند: موقعی که شهید سید عباس موسوی و شهید موسی صدر(اعلی الله مقامهما الشریف) - که ما قائل به این هستیم که شهید شدند و قبلاً هم که می‌گفتند: آثاری هست، من بیان کرده بودم که ایشان را شهید کردند - به شهادت رسیدند و انقلاب پیروز شد، فهمیدم که باید به این سمت برویم و عرب‌ها اگر بخواهند دینشان را حفظ کنند، امروز باید به سمت ایرانیان بروند. لذا «حَيَّرَ لَكُمْ» به خاطر همین است. یک زمانی می‌رسد که مردم می‌فهمند، فتنه‌ها زیاد می‌شود و می‌فهمند که یکی باید بیاید که بتواند بالجد مقابله کند. «بَقِيتُ اللّٰهُ حَيَّرَ لَكُمْ»، همین است. اگر کسی ایمان بیاورد، می‌فهمد که هیچ کسی جز بقیة‌الله نمی‌تواند کاری کند.

با توجه به علائم؛ ظهور، نزدیک است!

البته مژده هم به شما بدهم، گرچه بعضی موارد را نباید گفت اما عیبی ندارد می‌گویم: ایران در امن است، اما این بدین معنا نیست که ما غافل بشویم. ایران در امنیت است، داعش و ... نمی‌توانند در ایران کاری کنند، اما ما باید هشیار باشیم. عزیزان! فقط رو به تقوا بیاوریم. ظهور نزدیک است. چه زمانی است؟ نمی‌دانیم، ولی علائم می‌گویند که نزدیک است. کسی نمی‌تواند وقت تعیین کند، «کذب الوقاتون». اما نزدیک است. چه کنیم سرباز امام زمان شویم؟ اگر می‌خواهیم یار امام زمان شویم، باید بدانیم اس و اساس خصوصیت یاران امام زمان، اخلاق و تقواست.

عزیزان! گناه نکنیم. عزیزان! دختران من! حجاب را رعایت کنید. مراقب باشیم. پروردگار عالم با کسی عقد اخوت بسته است. خداوند با همین ایرانیانی که در روایات این‌چنین از آن‌ها نام برده شده - که من در سخنرانی ایام الله دهه فجر روایاتی را که

اتفاق انقلاب را بیان کرده، عرض کردم - عقد اخوت نبسته است. اگر خدای ناکرده به گناه مبتلا شدیم و از آرمان‌های مهدوی دور شدیم، به این مطالب نخواهیم رسید. آن «مکناهم فی الارض»، اول شرطش «اقاموا الصلوة» است. اقامه یعنی این که انسان، واقعاً خداپرست شود. قرائت نیست. بنده خدا شویم، «یرثها عبادی الصالحون» است، یعنی به بندگان صالح خواهد رسید. اگر این‌طور شدیم، خدای متعال عنایت می‌کند.

لذا این، مژده هست، ولی باید هشیار باشیم که غافل نشویم. من این مطلب را برای روحانیون در درس خارج بیان کردم، بگذارید علن هم بگویم، اگر می‌خواهید سرباز امام زمان شوید؛ بعد از واجبات و ترک محرمات، دو کار را انجام دهید: به سمت حفظ قرآن بروید. چرایش بماند. اما هر کس می‌خواهد سرباز امام زمان بشود، چون آمدن حضرت نزدیک است، حافظ قرآن شود. ولو شده روزی دو آیه حفظ کنید، اما آن را شروع کنید.

دعای عهد را با این که برای صبحگاه است، اما در دو وقت بخوانید. یک بار صبح بخوانید. یک بار هم چون آخرالزمان است، در شب، موقعی که می‌خواهید بخوابید، بخوانید و همان‌طور که در درس اخلاق هم بارها بیان کردم: با آقا جان، امام زمان هم دقایقی صحبت کنید. البته همه هم به انجام این امور (حفظ قرآن و دو مرتبه دعای عهد خواندن در هر روز) موفق نمی‌شوند.

توصیه‌های برای رفع بلا یا از شیعیان به خصوص شیعیان نجف و کربلا

توصیه دیگر این است که برای شیعیان به خصوص شیعیان نجف و کربلا دو کار انجام دهید: صدقه مخصوص بدهید.

از فردا که نیمه شعبان است و از طرفی امشب که هم شب جمعه و شب رحمت است و هم شب نیمه شعبان، شب احیا و به نوعی شب قدر است؛ زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام را بخوانید.

این دو کار را برای حفظ کربلا و نجف انجام بدهید. در روایتی که بیان کردم، فرمودند که در کوفه هم وارد می‌شوند که من یک مقداری از آن را بیان نکردم که نترسید. اما به شما بگویم: قضای مقدره و معلومه با صدقه و دعا دفع می‌شود و برمی‌گردد. چون می‌دانید بعضی از علائم ظهور، علائم حتمی است. اما من به صراحت می‌گویم: حتی علائمی که حتمیه است، با دعا و صدقه می‌شود برگردد. ما یادمان رفته ولی این شرط یادمان نرود: ترک حرام و عمل واجب.

لذا به خصوص شما جوان‌های عزیز که آقا جان شما را دوست دارد، زیارت عاشورا با صد لعن و صد سلام را شروع کنید و صدقه بدهید، دفع می‌شود. اگر به این دو مقوله عنایت داشته باشید، به فضل الهی خواهید دید که به شدت این تروریست‌ها از بین خواهند رفت.

در این‌جا هم در جمع منتظرین، به دولت عراق توصیه می‌کنم که سپاه بدر باید احیا گردد. امام عظیم‌الشأنمان بعد از انقلاب، سپاه پاسداران را راه‌اندازی کردند، با این که بدنه ارتش عزیز ما خوب بود. سپاه بدر مجدد باید احیا شود. هر چه می‌خواهند تعبیر کنند، من اجمالا می‌گویم، اگر فهمیدند، فهمیدند: تا سپاه بدر و بسیج در عراق احیا نگردد، مکافات خواهد بود.

پروردگارا! به اولیاء، انبیاء و خصیصین درگاهت، آقا جانمان، امام زمان از ما راضی و خشنود بگردان.

خدایا! قسمت می‌دهیم دشمنان دین و قرآن و ناموس و مملکتان، دشمنان جوانان عزیزمان، رأس این دشمنان، صهیونیسم جهانی، یهود - که به صراحت می‌گویم: همه این مطالب از یهود است و یهود، خبیث است - ریشه‌کن بگردان.

خدایا! به اولیاء و انبیائت قسمت می‌دهیم آن‌ها که به این نظام مقدس مهدوی چشم بد دارند، چشمشان را کور بگردان.

امام المسلمین، این سید عظیم‌الشأن حسنی، این سید حسینی، این سید علوی، این سید هاشمی، این نائب امام زمان، این سپه‌سالار امام زمان، این قائد عظیم‌الشأن را تا ظهور آقا جان و در کنار آقا جان محافظت بفرما.

خدایا! دشمنان این سید عظیم‌الشأن ما - که وجودش را وقف امام زمان و دین و نظام مهدوی کرده است - را نابود بگردان.

خدایا! ما را جزء یاران و سربازان نائب امام زمان قرار بده و به تبع ایشان، ما را جزء سربازان حقیقی آقا جانمان، امام زمان قرار بده.

خدایا! آنچه به خوبان عالمت مرحمت فرموده‌ای و می‌فرمایی، تفضلاً به ما مرحمت بفرما.

خدایا! آنچه در مقدرات هست، به نحو احسن برای ما برگردان.

خدایا! آنچه خوبان عالمت دعا بلدند و ما از آن‌ها محرومیم، تفضلاً آن ادعیه را در حق همه ما مستجاب شده قرار بده.

ای قادر متعال! تو قادری، ظهور آقا جان در عمر ناقابل ما قرار بده.

ای خدا، روح مطهر امام راحل عظیم‌الشأنمان، آن آقای خوبی‌ها، آن عبداللہی که بالجد روح الله شد، آن مسیح را از ما راضی و خشنود بگردان. درجاتش عالی است، متعالی بگردان. سربازانش را که به شهادت رسیدند، با شهدا یکر بلا محشور بگردان.

خدایا! آنچه دعا مدنظر داشتیم و به لسان جاری نگردید و یا در آینده مدنظر می‌آید، به ادعیه زاکیه آقا جانمان، امام زمان به هدف اجابت برسان.

بالبنی و آله صلوات بر محمد و آل محمد